

انترناسیونال هفتگی

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: فاتح بهرامی

haftegi@yahoo.com

Fax: 0044-870 120 7768

۱۱۵

۲۸ تیر ۱۳۸۱

۱۹ ژوئیه ۲۰۰۲

جمعه ها منتشر میشود

www.haftegi.com

تشکر از همدردی

صفحه ۴

تسلیم و تشکر

صفحه ۴

برگزاری مراسمهای بزرگداشت

منصور حکمت در سلیمانیه

و شهرهای کردستان

صفحه ۴

دفتر مرکزی حزب

Tel: 0044-795-051-7465

Fax: 0044-870-135-1338

markazi@ukonline.co.uk

رادیو انترناسیونال

۳۱ متر - ۹۹۴۰ کیلو هرتز

۹ تا ۹:۴۵ شب بوقت تهران

به دیگران اطلاع بدهید

radio7520@yahoo.com

تلفن 0044 7714611099

اطلاعات و پیامگیر رادیو:

0044 208 962 2707

پیام به کارگران ایران

جامعه ایران به شما چشم دوخته است

رفقای کارگر،

تظاهرات بزرگ امروز شما در تهران، که با سرکوب نیروهای حکومت اسلامی مواجه شد، موجی از حمایت گرم مردم زجرکشیده ایران و همبستگی سازمانهای کارگری و مردم آزادیخواه در سراسر جهان را به همراه خواهد داشت. مردمی که با امید سرنگونی حکومت کثیف و اسلامی سرمایه داران، هرروز و به اشکال مختلف دست به اعتراض میزنند به شما، به نیروی قدرتمند طبقه کارگر چشم دوخته اند. هنوز اعتصاب کارگران نفت و شعار "کارگر نفت ما رهبر سرسخت ما" در خاطر مردم زنده است. مردم آزادیخواه بحق انتظار دارند که طبقه کارگر با شعارهای سراسری و آزادیخواهانه اش در خط مقدم مبارزه برای سرنگونی حکومت اسلامی و برقراری نظامی سکولار، پیشرو و انسانی، قد علم کند و جنبش سرنگونی را به جلو سوق دهد. شعارهای فراگیر امروز شما، شعارهایی مانند آزادی بیان و حق تشکل و اعتصاب و خواست بیمه های اجتماعی مورد پشتیبانی همه انسانهای محروم و کارکن جامعه است. مطمئن باشید آرزوی که شما پرچم آزادی و برابری، پرچم لغو قوانین ضدزن، پرچم دفاع از آزادیهای سیاسی و حکومت غیر منهبی را در خیابانها به ا هتزاز درآورید،

خیل بیشمار انسان های آزادیخواه به صفوف شما و پرچم شما ملحق خواهند شد و صدها میلیون انسان شریف در سراسر دنیا به شما درود خواهند فرستاد.

رفقای کارگر،

طبقه کارگر و جنبش کمونیسم کارگری میتواند تضمین کند که انقلاب مردم برای بریز کشیدن جمهوری اسلامی با کمترین مشقت جلو رود و در عین حال تضمین کند که با رفتن این حکومت، رفاه، خوشبختی، آزادی و برابری بر جامعه حاکم خواهد شد. شما بخش تعیین کننده قطب چپ و برابری طلب جامعه اید و نیروی شما ضامن آن است که جنبش سوسیالیستی و آزادیخواه مهر خود را بر تحولات سیاسی بکوبد و بر ویرانه این حکومت منهبی، حکومتی عاری از ستم و سرکوب و نابرابری و فقر و استثمار به ارمغان آورد. نیروی خود را دریابید، متحد و متشکل شوید و خود را برای قرار گرفتن در صف اول مبارزه عادلانه و آزادیخواهانه مردم آماده کنید. حزب کمونیست کارگری با تمام قوا در کنار شما است.

اصغر کریمی

از طرف هیئت دائم دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۵ تیرماه ۱۳۸۱

بیوگرافی کوتاه

منصور حکمت (ژوئیه رازانی)

۱۳۸۱ - ۱۳۳۰



منتشر میشود



یک زندگی زیبا

مصاحبه رادیو انترناسیونال با آذر ماجدی درباره منصور حکمت

عزیز را به شما تسلیم بگویم. اگر صحبتی قبل از شروع گفتگو هست که اشاره بکنید، بفرمائید. **آذر ماجدی:** من قبل از هر چیز از این همه محبت، اینهمه صمیمیتی که به من و خانواده ام نشان داده شد، چه از طرف مردم در ایران و چه از طرف دوستاران و علاقمندان در خارج کشور، پیامهای تسلیت، تلفنهای، نامه ها، ای میلهها و فکسهایی که برای من و خانواده ام آمد و برای حزب کمونیست کارگری آمد،

صفحه ۲

سیاوش دانشور: در این روزها تلفن های زیادی داشتیم و دوستان زیادی مشتاق بودند صدایان را بشنوند و از اینکه شما در این موقعیت فرصتی گناشتید، خیلی ممنون هستم. **آذر ماجدی:** خیلی لطف دارید هم شما و هم دوستان عزیزی که خواسته اند صدای من را بشنوند.

سیاوش دانشور: کلمات از بیان احساس آدم نسبت به این واقعه دردناک عاجز است، ولی قبل از شروع صحبت مجدداً میخواهم از طرف همکارانم درگذشت ژوئیه همیشه

تحولات سیاسی در ایران شتاب میگیرد

مصاحبه با اصغر کریمی درباره اوضاع سیاسی ایران

تحولات سیاسی سرعت گرفته است. تلقی شخصیتهای نظام از موقعیت حکومت عوض شده است. امیدشان به حفظ نظام را از دست داده اند. "بحران سازیهایی" آنان را باید در این چهارچوب نگاه کرد. در ماههای اخیر تلاش جناحها، محافل و شخصیتهای حکومت اسلامی برای ایجاد انسجام و انتقال یکی پس از دیگری شکست خورده است. هنوز

صفحه ۳

هفتگی: اعتراضات کارگری و حرکتیهای ضد رژیم مردم و تنش شدیدتر بین جناحهای حکومت اسلامی حاکی از شروع فاز جدیدی در تحولات سیاسی ایران است. بنظر شما چه فاکتورهای جدیدی در اوضاع سیاسی امروز ایران قابل توجه است و سمت و سوی این تحولات را چگونه ارزیابی میکنید؟ **اصغر کریمی:** جامعه ایران در آستانه تحولات مهمی قرار گرفته است. تنش سیاسی بالا رفته و

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

یک زندگی زیبا

میخواهم تشکر کنم. همچنین از آن مردم عزیزی که در شهرهای ایران و بخصوص در سنج و شهرهای دیگر کردستان یاد ژوین، یاد منصور حکمت را گرامی داشتند و مراسمهای برپا کردند، تشکر میکنم.

و اینرا بگویم که در این شرایط، با تمام احساس غمی که روی قلب هست، از این همه محبت و حمایتی که تبار من و خانواده ام میشود احساس شادی میکنم. در تمام طول بیماری ژوین و حالا پس از مرگش مردم ما را غرق محبت کردند، من از این احساس غرور و پشتگرمی میکنم. این محبت ها آینده را برای ما روشن میکنند. ژوین در قلب هزاران هزار نفر زنده است و همین برای من و برای خانواده ام و برای حزب کمونیست کارگری ایران جای خوشحالی بسیار است.

نکته دیگری که میخواستم بگویم راجع به مراسم بزرگداشت ژوین (منصور حکمت) است. واضح است که آرزومان بود میتوانستیم این مراسم را در ایران برگزار کنیم، میتوانستیم در یک استادیوم بزرگ این مراسم را برگزار کنیم تا صدها هزار نفر از دوستدارانش بتوانند آنجا بیایند و همه با هم یادش را گرامی بداریم، مشعل روشن کنیم و پرچم سرخ به اهتزاز درآوریم. متأسفانه بخاطر اختناق جمهوری اسلامی این امکانپذیر نیست. من، خانواده ژوین، حزب کمونیست کارگری ایران و حزب کمونیست کارگری عراق تصمیم گرفته ایم که مشترکاً مراسمی را در بزرگداشت ژوین بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۸ ژوئیه در شهر لندن در انگلستان برگزار کنیم. صدها نفر از نقاط مختلف اروپا، آمریکا، کانادا و استرالیا در این مراسم شرکت میکنند. خیلی حیف است که تمام دوستدارانش نمیتوانند در آنجا با ما زیر یک سقف باشند، با ما سرود انترناسیونال بخوانند و با ما یاد ژوین را گرامی بدارند. من از تمام دوستدارانش میخواهم که هر گوشه ای که میتوانند در کنار هم و در هر شرایطی که امکان دارد در همان روز یکشنبه جمع بشوند و یادش را همراه ما گرامی بدارند. مراسم یادبود ژوین که روز یکشنبه در لندن برگزار میشود، مستقیماً از اینترنت پخش میشود. دوستانی که دسترسی به اینترنت دارند میتوانند این مراسم را از طریق اینترنت دنبال کنند. آدرس اینترنتی را ما از طریق رادیو انترناسیونال، روزنامه ها و سایت روزنه و سایت های دیگر اعلام میکنیم تا دوستداران منصور حکمت بتوانند در آرزو همراه ما و در کنار

هم این مراسم را دنبال کنند. گزارشهای مراسم های مختلفی که برگزار شده از رادیو انترناسیونال پخش خواهد شد.

ما یک یادبود دیگری هم برای ژوین داریم، روز شنبه روز قبل از مراسم، به یاد ژوین بر سر مقبره کارل مارکس در لندن میرویم و آنجا هم با گذاشتن گل بر مقبره مارکس یاد ژوین را گرامی میداریم. خوشحال میشوم که هر کسی میتواند در این دوتا مراسم شرکت کند و خوشحال میشوم که هر کسی میتواند در هر گوشه ای یاد ژوین را گرامی بدارد.

سیاوش دانشور: آذر ماجدی اجازه بدهید که کمی درباره زندگی خصوصی شما سوال کنم، کی با ژوین آشنا شدید و سابقه آشنائی تان به کی برمیگردد؟
آذر ماجدی: من ژوین را اولین بار وقتی که هجده سال داشتم در سال ۱۳۵۲ دیدم. خواهر ژوین با من در دبیرستان همکلاسی بود. ولی بعد که او به انگلستان رفت و من هم برای تحصیلات به خارج رفتم، در اروپا یکی دو بار دیگر ملاقات کردیم. ولی زندگی مشترک مان را از دوران انقلاب علیه دیکتاتوری شاه در ۱۳۵۷ شروع کردیم.

سیاوش دانشور: آن زمانی که آشنا شدید آیا شما چپ بودید، کمونیست بودید، فعالیت سیاسی میکردید؟
آذر ماجدی: من با مارکسیسم از طریق پدرم آشنا شدم. پدر من یکی از فعالینی بود که مدتی با حزب توده فعالیت داشت و بعد از حزب توده جدا شد. برای من آشنائی با مارکس از طریق پدرم بود بخاطر پدرم یک احساس عمومی علیه بی عدالتی، علیه فقر و علیه اختناق در خانواده وجود داشت. خانواده علیه رژیم سلطنتی و علیه دیکتاتوری بود. پدرم تاثیر زیادی روی من داشت. مرد فوق العاده آزادیخواهی بود، به آزادی و برابری زن و مرد خیلی احترام میگذاشت، آدم برابری طلب، شریف، و انسان دوستی بود و اینها همه به من انتقال پیدا میکرد. از بچگی خودم را با اصطلاح سیاسی و چپ میدانستم. در دبیرستان فعالیت های فوق برنامه و ادبی با محتوای سیاسی و چپ داشتم ولی فعالیت سازمانی نداشتم.

ژوین هم در دوران تحصیل در ایران فعالیت سازمانی و تشکیلاتی نداشت. او همیشه یک آدم روشن، یک آدم آزادیخواه و یک آدم برابری طلب بود.

من در طول دوران دانشگاهی ام در خارج کشور از نظر سیاسی و اجتماعی فعال بودم ولی فرضاً با کنفدراسیون و غیره در ارتباط نبودم. فعالیتهای من در رابطه با آزادیخواهی عمومی ای بود که بطور مثال مربوط میشد به فعالیت علیه رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی، علیه

راسیسم و برای برابری زن و مرد. در جریان انقلاب بود که به ایران برگشتم. و در همانوقت هم ژوین فعالیتهايش را در انگلیس شروع کرده بود و پس از بازگشت به ایران سازمان سهند را که بعداً به اتحاد مبارزان کمونیست تغییر نام داد بهرامر حمید تقوایی بنیان گذاشت و در همان زمان بود که زندگی مشترک ما نیز شروع شد. من هم با اتحاد مبارزان کمونیست فعالیت میکردم.

سیاوش دانشور: در چه رشته ای درس خواندید؟

آذر ماجدی: من در رشته ادبیات فرانسه و تاریخ درس خواندم و یک دوره دیگر هم در رشته توسعه بین المللی.

سیاوش دانشور: بعد از این واقعه حال بچه ها چطور است؟

آذر ماجدی: حال بچه ها با در نظر گرفتن چنین ضایعه و تراژدی ای که در زندگی ما اتفاق افتاده، در مجموع بد نیست. یک دلیل اصلی آنهم همین مجبتهائی است که بما ابراز میشود، اینکه چطور همه بدور ما جمع شده اند و حلقه زده اند و من و بچه ها را غرق محبت کرده اند.

سیاوش دانشور: آیا قصد دارید در مورد ژوین مجموعه خاطراتی تنظیم بکنید و کتابی بنویسید؟

آذر ماجدی: دوست دارم که چنین کاری بکنم ولی کار سختی است. راستش بیشتر از آنکه بخوام خاطراتم را بنویسم دوست دارم آنچیزی را که ژوین در زندگی به من نشان داد با بقیه سهیم بشوم، آنچیزی که در این زندگی مشترک بیست و چهار ساله با هم شریک شدیم، دوست دارم آن احساسات، آن پرنسیپ ها و طنز قوی اش را اگر بشود با بقیه سهیم بشوم.

ژوین انسانی بود که بر هر کسی که با او آشنا میشد، حتی اگر نیمیست او را میدید، تاثیر عمیقی میگذاشت روی قلب و مغزشان. الان کسانی هستند که واقعا اشک میریزند، نه حتی بخاطر اینکه کمونیست هستند و آثارش را خوانده اند. بخاطر اینکه یک مدت کوتاهی یک جانی دیدنش و سخاوتمندی اش و قلب بزرگش و در همان مدت نیمساعت و یا یکساعت عمیقاً درک کرده اند. نه بخاطر اینکه کتابها و آثارش را خوانده اند، نقشش را در جنبش چپ و کمونیستی ایران دیده اند و یا بخاطر اینکه حتی آشنائی طولانی ای باهاش داشته اند. قطعاً زیباست اگر همه اینها را آدم بتواند سهیم بشود اما کار سختی است.

منتهی اولین کاری که من در مقابل خودم گذاشته ام، چیزی که خواست خود او هم بود، اینست که تمام آثارش را چه آنهایی که تا حالا بشکل مقالات و بطور پراکنده چاپ شده و چه آن چیزهایی که چاپ نشده، نوشته هائی که دارد، نامه هائی که دارد، همه را بشکل مجموعه هائی منتشر کنم. قصد داشتم در مراسم یادبودش اعلام بکنم ولی همینجا هم از فرصت استفاده میکنم و اعلام میکنم که میخواهم بنیادی را بنام بنیاد منصور حکمت ایجاد کنم. این بنیاد اولین هدف و تلاشش چاپ و انتشار تمام آثار منصور حکمت است چه سخنرانی هایش و چه نوشته هایش، نوشته های سیاسی و غیر سیاسی که الان داریم روی کاغذ و در کامپیوتر. حتماً بیوگرافی اش را هم چاپ خواهیم کرد.

سیاوش دانشور: شما خودتان یکی از فعالین قدیمی جنبش برابری حقوق زنان هستید و همچنین یکی از رهبران سیاسی سازمانها و احزابی که ژوین مبتکر ساختن آن بود، اما با اینحال در این دوره بیست و چهار پنج سال زندگی مشترک هیچوقت فکر کردید که تناقضی و دیواری بین زندگی خصوصی و سیاسی وجود آمده؟

آذر ماجدی: دیوار قطعاً نه، تناقض بین زندگی سیاسی و خصوصی هم شاید نشود اسمش را گذاشت، ولی حتماً وقتی که دو نفر در خانواده دارند فعال کار میکنند، حتی اگر کار سیاسی هم نباشد، وقتی هم پدر هم مادر برای امرار معاش دارند کار میکنند، حتماً تنشهایی پیش میاید. در خانواده معمولاً تصور عمومی اینست که فرضاً کار خانه یا نگهداری بچه کار زن یا مادر است، و این وظیفه اصلی مادر است. در نتیجه این مادر است که همیشه باید یک جوری بین کار بیرون و کار خانه هماهنگی ایجاد کند و معمولاً دچار استرس و ناراحتی اعصاب و غیره میشود.

در خانه ما اینطور نبود. من به این معنی شاید زن خوشبخت و خوش شانس بودم که با مردی زندگی میکردم که اصلاً چنین تصویری نداشت و اصلاً فکر نمیکرد که کار نگهداری بچه ها کار مادر است، حتی اگر کسی این تصور را میکرد و کسی یکجوری برخورد میکرد که او پدر است و نمیتواند این کارها را بکند، ناراحت و عصبانی میشد و به او بر میخورد. آدمی بود که عمیقاً به برابری زن و مرد معتقد بود. عمیقاً به آزادی زنان معتقد بود، عمیقاً به نقش برابر پدر در بزرگ کردن بچه اعتقاد داشت. از حمام گرفتن تا غذا دادن به بچه خودش را سهیم میدانست و معتقد به این اصل

بود. و در نتیجه ما از این نظر بطور واقعی مشکلی نداشتیم. منتهی از آنجائی که ما هر دو همیشه فعال بودیم، بخصوص نقشی که ژوین در زندگی سیاسی و زندگی حزب داشت، و همه آنرا میدانند و لازم نیست که بیشتر توضیح بدهم، تقریباً میشود گفت که بیست و چهار ساعت درگیر بود و مسائلش را از کوچکترین مسائل روزمره تشکیلاتی تا مهمترین و استراتژیک ترین و برنامه ای ترین و تئوریک ترین مسائل را میبایست جوابگو میبود، فشاری روی او گذاشته بود. حتماً تنش های کوچکی پیش میامد، ولی نه به آن شکلی که شما ممکن است در هر خانواده ای مشاهده بکنید.

دوستان زیادی هستند که بمن میگویند منصور حکمت (ژوین) در زندگی ما با کودکانمان و در رابطه ای که ما با بچه هایمان داریم، نقش بسیار مهم و تعیین کننده ای داشته و باین خاطر دوستش دارند. میگویند بخاطر نظراتی که داده و نظراتی که داشته باعث شده که ما یک رابطه فوق العاده انسانی تری با بچه هایمان داشته باشیم، رابطه برابری با بچه ها و همسرانمان داشته باشیم. این چیزی نیست که فقط در کتاب آمده، بطور واقعی زندگی صدها نفر را متحول کرده، و از این بیشتر هم خواهد کرد، آموغی که ما قدرت را بدست بگیریم، آموغی که نظرات ما حاکم شود، نظراتی که منصور حکمت در برنامه و آثارش بیان کرده، آموغی است که ما خواهیم دید که واقعا روابط و مناسبات درون خانواده چطور دگرگون میشود، روابط زن و مرد با هم، دو همسر و دو زوج با هم چگونه متحول میشود و رابطه پدر و مادر با بچه هایشان و رابطه پدر با بچه هایش چطور متحول میشود. این آنچیزی است که در خانواده ما وجود داشت و بچه ها وقتی که خانواده ما را با خانواده های دیگر مقایسه میکنند احساس غرور میکنند از اینکه مناسبات در خانه ما طور دیگری بود و پدرشان یک پدر سنتی نبود.

سیاوش دانشور: بعنوان شریک زندگی سالهای طولانی با منصور حکمت و همزرم او، شخصیت سیاسی و اجتماعی او را چگونه توضیح میدید اگر بخواهید بر نکات مهمی انگشت بگذارید؟
آذر ماجدی: خیلی سخت است. یکی از چیزهایی که من را همیشه و هنوز هم حتی تا این اواخر متعجب میکرد، تیزی و بصیرتش، دور بینی اش و قابلیت به استقبال مشکلات و موانع رفتن بود. ژوین کسی نبود که جا

صفحه ۴

از صفحه ۱

تحولات سیاسی در ایران

طرحی تهیه نشده زیر سوال رفته و خود به موضوع اختلاف بیشتر تبدیل شده است. تلاشهای قبلی برای ایجاد ائتلاف و انسجام دادن به صفوف حکومت جای خود را تماما به طرح اختلافات و "بحران سازی" های سازمانهای رژیم و شخصیت‌های نظام داده است. دیگر نبض اوضاع در دست هیچکدامشان نیست. خاتمی نفر اول جناح دو خرداد مدتهاست که دیگر نقشی در میان بیرون خود بازی نمیکند. تحولات اخیر موقعیت سست او را باز هم سست تر میکند. و خامنه ای اقتدار سابق را برای بستن و ساکت کردن ندارد. میدانند که برای آرام کردن اوضاع باید بساط بگیر و ببندش را نه تنها علیه مخالفین و مردم معترض که در میان ناراضیان و منتقدین درون حکومت تندتر و گسترده تر کند اما این را در توان حکومت و نیروهای سرکوب نمیبیند. قدرت سرکوب سابق را از دست داده است. از طرف دیگر و پایای این، نفرت و ناراضی و خشم و عصبانیت مردم، که عامل این بهم ریختگی در صفوف حکومت است، بیانی آشکارتر، عمومی تر و تعرضی تر بخود گرفته است. نفرت از اسلام و آخوند و هرچه مظهر حکومت اسلامی است از در و دیوار میبارد. این منشاء ناامیدی بسیاری از شخصیت‌های کلیدی نظام و سازمانهای وابسته به حکومت و جدا کردن حساب خود از بخش رسمی حکومت شده است. استعفاها شروع شده است. نحوه بروز اختلافات فرق کرده است. استعفا و تهدید به استعفا و نامه های سرگشاده به منظور تفویض یک جناح بر جناح دیگر نیست و چنین نتیجه ای هم بیار نیواورد. بیشتر حکم فرار را دارد و فروپاشی را تسریع میکند. خودشان هم میدانند. نه بحث آغاچری برای تحکیم چیزی بود و نه نامه طاهری امام جمعه "سنگین وزن" اسفهان قصد تقویت جناحی را داشت. صرفا میخواهند کلبم خود را بیرون بکشند. آغاچری طرفدار نظرات شریعتی بخوبی میدانست که در یک فضای بشدت ضداسلامی صدآخوندی کنونی گفتن "مردم میمون نیستند که تقلید کنند" چه باروتی به جنبش ضداسلامی میدهد و چگونه زیر پای کل حکومت مذهبی را سست تر میکند و طاهری هم سیاسی تر از این است که نالدان نامه شدیدالحنش علیه مقامات جمهوری اسلامی موجب چه سوء استفاده ای توسط دشمن! میشود، چگونه کل جناحها، نهادها و مقامات ریز و درشت حکومت را به صف آرایی در مقابل هم میکشاند و چگونه بندهای نظام را شل میکند. اینها اما در شرایط کنونی منافی برای طرح آن نیست. باید منتظر موارد بسیار خردکننده تر هم بود. و در مقابل همه اینها

جواب دفاعی خامنه ای، اظهارات بی رمق رفسنجانی و کل عکس العمل جناح راست، علیرغم برخی رجزخوئیهای بیمایه، بخوبی موقعیت ضعیف شده حکومت اسلام را، هم به مردم هم به طرفداران حکومت نشان داد. دو تظاهرات بزرگ ظرف یک هفته از ۱۸ تا ۲۵ تیرماه نیز، همین واقعیت را برجسته کرد.

هفتگی: تظاهرات و تجمع کارگران در روز سه شنبه در تهران که به درگیری بین کارگران و نیروهای سرکوبگر رژیم منجر شد، حدود یک هفته بعد از اتفاقات ۱۸ تیر رخ داد. ویژگی این حرکت گسترده کارگری و تفاوت آن با دیگر اعتراضات طبقه کارگر ایران چیست و چه درسهایی را برای کارگران میتوانست در بر داشته باشد؟

اصغر گریبی: تظاهرات هم گسترده تر و هم تعرضی تر از سابق بود و کنترل بطور کامل از دست شوراهای اسلامی و خانه کارگر خارج شد. اما نکته مهم بنظر من شرایط متفاوتی است که این تظاهرات در آن اتفاق می افتد. برای درک اهمیت این تظاهرات باید آنرا ضریب شرایط سیاسی کنونی کرد. جمهوری اسلامی در اوج اختلاف و بحران سیاسی است، به فاصله یک هفته قبل از آن تظاهرات ۱۸ تیر، علیرغم تلاش همه جانبه رژیم برای جلوگیری از آن، اتفاق افتاده است، تحولات شتاب گرفته و رژیم بیش از همیشه در چشم همه، خودی و غیر خودی، بی ثبات شده است. این فاکتورها به تظاهرات ۲۵ تیر رنگ و بوی تماما سیاسی داد. در روانشناسی مردم اینطور است، رژیم به این شکل آنرا ارزیابی میکند، غرب هم اینطور نگاه میکند. به این دلیل این اعتراض متفاوت تر از اعتراضات تاکنونی کارگران بوده است و تاثیرات محسوسی بر اوضاع باقی خواهد گذاشت. اینکه توده وسیعی از کارگران، صف خود را از خانه کارگرها، علیرغم اینکه تجمع از طرف خانه کارگر و شوراهای اسلامی فرارخوانده شده بود، جدا کردند، به این حرکت نقاط قوت مهمی داد و وزن و نقل آنرا بالا برد. اگر این درسی برای کارگران داشته باشد این است که کارگران در اوضاع و احوال بشدت سیاسی و پرتحول کنونی، با اعمال زور و قدرت و از اینطریق تبدیل شدن به وزنه ای در تحولات سیاسی است که میتوانند راه پیشروی خود را باز کنند. اگر این، به جمع بندی فعالین کارگری تبدیل شود سرعت راه پیشروی را بر جنبش کارگری و مبارزه توده ای خواهد گشود. این را باید کارگران مد نظر داشته باشند که حتی برای عقب راندن جمهوری اسلامی در مقابل مطالبات اقتصادی شان، باید نیرو بسنج کنند، باید نه تنها صفوف

خودشان را متحد و متشکل کنند که حمایت توده مردم را نیز به حرکت خود جلب کنند. در موقعیت کنونی میلیونها نفر از مردم چشمشان به طبقه کارگر دوخته شده است و زمانیکه کارگران با طرح مطالبات عمومی مانند آزادی زندانیان سیاسی، آزادیهای یقیند و شرط بیان و عقیده و مطبوعات، برابری حقوق زن و مرد و امثالهم، و به عنوان یک نیروی مستقل وارد صحنه سیاسی شوند، میلیونها نفر را پشت این مطالبات به حرکت درخواهند آورد.

هفتگی: صحبت‌های اخیر جورج بوش درباره حکومت و اوضاع ایران با موضعگیری قبلی وی که ایران را در کنار عراق و کره شمالی محور شر نامیده بود، تفاوت دارد. اولاً این تفاوت در اعلام موضع دولت آمریکا نسبت به حکومت ایران به چه دلیل است و هدف آن چیست، و ثانیاً تاثیر موضعگیری جدید جرج بوش بر جناحهای رژیم و جدالهای آنها و کلا اوضاع سیاسی چگونه است؟

اصغر گریبی: سیاست بوش نیز ناشی از تحولات عمیق و پرشتابی است که در جامعه ایران در جریان است، نشسته اند و تصمیم گرفته اند که از اوضاع عقب نمانند. بعد از یکپاره زنگار و بحساب نیابردن تفاوت اوضاع ایران با افغانستان و عراق، بالاخره مشارین بوش عقشان را روی هم ریخته اند و تاکتیک واقع بینانه تری برای دخالت در اوضاع ایران و تاثیر گلشن روی سیر تحولات اتخاذ کرده اند. بر خلاف عراق و افغانستان، در ایران جنبش سیاسی اجتماعی قدرتمندی در جریان است که دارد صحنه سیاسی را عوض میکند و دولت بوش فهمیده است که نمیتواند و نباید این جنبش را نادیده بگیرد. اولاً برای اعمال فشار بر جمهوری اسلامی به منظور شکل دادن به روندهای سیاسی مطلوب خود فکر میکنند میتوانند از اهرم مبارزه توده ای استفاده کنند و ثانیاً، نمیتواند به جنبش عظیمی که کل محاسبات غرب را بهم میریزد لاقید باشد. قصد دارد با دخالت در آن، آن را مهار کند و از یک تحول انقلابی و عمیق در جامعه ایران جلوگیری کند. تاکتیک ایران شمر نامیند ایران، هم کل جناحها را در مقابل بوش قرار میداد و این به نفع جناح خامنه ای تمام میشد و هم اروپا را در مقابل آمریکا قرار میداد و این میدان را برای دولت‌های اروپائی باز میکرد. تاکتیک جدید، هم با سیاست اروپا همخوانی دارد، هم با روی خوش بخشهایی از دو خرداد مواجه میشود و هم از طرف اپوزیسیون پرورغرب و شبه اپوزیسیون جمهوری اسلامی استقبال بیشتری میشود. اما این سیاست مخصصه های حکومت اسلامی را تشدید میکند، و مردم از هر فرصتی و از هر شگافی برای پیش بردن مبارزه خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی باید استفاده کنند. بیابیه بوش و آزادیهای مورد مطالبه

او فرسنگها از خواستههای گسترده و وسیع مردم فاصله دارد و از طرفی با تقسیم جناحهای رژیم به انتخابی و غیر انتخابی، به جناحی از رژیم مشروعیت میدهد و از اینطریق تلاش میکند که جلو رادیکال شدن اوضاع را بگیرد. این سیاست ماهیتی عمیقاً ارتجاعی دارد و جنبش توده ای مطلقاً نباید توهمی به آن داشته باشد.

هفتگی: در جریان اعتراضات اخیر مردم و بخصوص در ۱۸ تیر امسال، در عکس العمل برخی از جریان‌ها اپوزیسیون از "اعمال خشونت" مردم و مقابله با آن صحبت شده است. نظراتان در مورد این مساله چیست؟

اصغر گریبی: توصیف کردن مبارزه مردم با خشونت، از جانب اپوزیسیون پروغرب و برخی رسانه های ایرانی لس آنجلس مطرح شده است. صریحاً، آنجا که مردم به نیروهای سرکوب و مراکز دولتی تعرض کرده اند، گفته اند این کار عوامل رژیم است و علیه آن کمپین راه انداخته اند. این نشان میدهد که، اولاً اینها از مبارزه مردم، از خشم و نفرت تلنبار شده مردم، بیگانه اند. کسانی که "پاسداران عزیز" ورد زبانشان شده و مبارزه مردم در برابر یک رژیم تا دندان مسلح را که در تمام عمرش یکبار با زبان خوش با مردم طرف نشده را با خشونت توصیف میکنند، قبل از هرچیز دارند خودشان را توصیف میکنند. دارند فاصله شان را با مردم توصیف میکنند، دارند خشم و نفرتشان را علیه قیام و انقلاب و در درم سر شکستن زندانها و یادگانه‌ها توسط مردم انقلابی توصیف میکنند، دارند راه متفاوت خودشان را از مردم نشان میدهند. ثانیاً، "کار عوامل رژیم است" رسماً یک شانتاژ است و باید محکوم شود. این قبلاً و عیناً از زبان اسلامین بعد از توافقات پشت پرده در مقطع تاسوعا عاشورای ۵۷ بکار میرفت. بعد از تاسوعای ۵۷ هرکس شعار مرگ بر شاه میداد اسلامین میگفتند ساواکی و عامل رژیم است. ثالثاً این بخشی از تلاش آنها برای کنترل مردم است. تلاش شان این است که تمام دم و دستگاه سرکوب این رژیم را دست نخورده تحویل بگیرند و آنرا برای سرکوب های فردا بازسازی کنند. فکر میکنند میتوانند بکمک دخالت آمریکا، با بخشهایی از رژیم با سپاه و ارتش و سایر نیروهای انتظامی به توافقاتی برسند، قدرت را تحویل بگیرند و مردم را به خانه هایشان بفرستند. یکباش بدون اینکه خون از دماغ کسی درآید رژیم سرنگون میشود. اما سیر وقایع این نیست، مردم به خیابان میایند، رژیم سرکوب میکنند مردم هم دست به سنگ و چوب و اسلحه میبرند و به وقت خودش به زندانها و یادگانه‌ها حمله میکنند. راستش مشکل اینها خشونت نیست. خودشان علیه خشونت نیستند و هیچوقت نبوده اند. میدانند که اگر مردم با زور، با مسلح شدن، با متشکل شدن، رژیم را و دم و دستگاه سرکوبش را در

هم شکستند، پس گرفتن قدرت از مردم کار دشواری خواهد بود. میدانند که اینبار چپ قوی است، خیلی پخته و باتجربه است، حزب و برنامه روشن هم دارد. و با وجود چنین فاکتورهای مردم انقلابی قدرت را از جمهوری اسلامی بگیرند فوراً در شوراهایشان متشکل میشوند، کنترل تولید و توزیع را در دست میگیرند، اموال به سرقت رفته شده از بیت المال را پس میگیرند، خیلی جاها را مصادره میکنند و خیلی کارهای دیگر هم خواهند کرد. این به مذاق اینها خوش نمیاید، خشونت خشونت میکنند. و نکته آخر اینکه، مردم به اینها گوش نمیدهند تاکنون هم نداده اند.

در این تردید نیست که جمهوری اسلامی در کنار سرکوب مبارزات مردم، خرابکاری هم میکند، پروکاتور هم به میان مردم میفرستد، برای بدنام کردن حرکت مردم تیراناز و بمب گذار هم به میان اجتماعات مردم میفرستد و مردم باید هوشیار باشند، اما کل تعرض مردم به دم و دستگاه سرکوب را و خشم و نفرت بیحد و مرز مردم را که به اشکال مختلف بروز میکند، از همین حالا خشونت نامیدن و به عوامل رژیم نسبت دادن موضوع دیگری است. راه جلوگیری از نفوذ خرابکاران و پروکاتورهی حکومت و اتخاذ بهترین کم مشقت ترین و انسانی ترین روشهای مبارزه، متشکل شدن هرچه بیشتر کارگران و مردم آزادیخواه و هدایت سازمانیافته مبارزات است که اتفاقاً اینها نه رهنمودی در این زمینه دارند و نه تمایلی به این کار. بهررو این رهنمودها با سیر اوضاع همخوانی ندارد و محکوم به شکست است، ولی به معنی این نیست که لطمات خود را بر جنبش سرنگونی نخواهد زد. این را باید افشا کرد و به آنها فشار آورد تا از آن دست بردارند.

تحولات جاری در صحنه سیاسی ایران، راه را برای ابراز وجود وسیع جنبشها و احزاب طبقات مختلف باز کرده است. حرکت معلمان نمونه بارزی از ابراز وجود یک نیروی چپ و برابری طلب بود. جنبش روبرشد کارگری این روند را تعمیق خواهد کرد و گسترش خواهد داد. عمق انتظارات و آرمانهای جنبشی که برای آزادی در ایران در حال شکل گیری و پیشروی است، بسیار بیش از آن چیزی است که مخالفین ما تصور میکنند. این دیگر وظیفه عاجل جنبش کمونیسم کارگری، اعم از حزب کمونیست کارگری و طیف گسترده کارگران کمونیست است که تلاش کنند با ایجاد شبکه وسیعی از کارگران کمونیست و رادیکال در مراکز مهم و کلیدی، با تلاش سرسختانه برای متشکل کردن کارگران و بالا بردن مبارزات سیاسی در میان آنان، جنبش کارگری را به رهبر اعتراضات توده ای تبدیل کنند. دنیائی کار در مقابل حزب کمونیست کارگری قرار گرفته است. ■

از صفحه ۲

یک زندگی زیبا

خوش بکند و به آن چیزی که الان داشت قانع باشد و به آن چیزیکه حزب الان داشت قانع باشد، حتی اگر موفقیت حزب را میلید که چه وسعتی پیدا کرده و چطور اسمش در خانه های مردم رفته، قانعش نمیگرد و این برایش کافی نبود و همیشه جلوتر را میلید و همیشه میخواست جلوتر برود. و حتی انتقادش به بقیه این بود که چرا به کم و به آن چیزیکه دارند راضی میشوند و میخواهند همانرا حفظ نکنند. مشکلات و موانع را میلید و آنها را تحلیل میکرد و از مدتها قبل برایشان پاسخ و جواب داشت و هیچوقت دچار کلیشه ها نمیشد.

اینها چیزهایی است که همه کسانی که بخصوص از نزدیک باهاش کار کرده بودند میلیدند. ولی آن چیزیکه از همه بیشتر برای من جالب بود انسانیت عمیقی بود که در تمام لحظات در او وجود داشت. هیچوقت برای او هیچ توقع سیاسی یا تاکتییک و هدف سیاسی با انساندوستی نمیتوانست در تناقض باشد. این جمله معروف که دیگر حکم کلیشه پیدا کرده، اینکه "هدف وسیله را توجیه میکند" در ذهن و عمل او جای نداشت. هیچ هدف سیاسی برای پیشرفت حزب نمیتوانست با انساندوستی یا با اصول پایه ای مارکسیستی یا اصول پایه ای شرف و انسانیتی که ژوبین به آن معتقد بود، تناقض داشته باشد. اینها هیچوقت با هم در تناقض نیفتاد. هیچوقت مجبور نبود یکی را قربانی آن یکی بکند. برای ژوبین اینها یک واحد و یک چیز بود. اگر چیزی حزب را جلو میبرد همان چیزی بود که انسانی بود. اگر یک چیزی ما را از نظر سیاسی دو پله جلو میبرد، همان چیزی بود که انسانیت را جلو میبرد، همان چیزی بود که اصول ما دیکته میکرد. من در این مدت بیست و چهار سالی که با هم زندگی کردیم و شاهد فعالیت سیاسی اش بودم و در طول مدت طولانی که در کمیته های حزبی با هم فعالیت میکردیم، هیچوقت شاهد چنین تناقضی در مورد ژوبین نبودم.

یک نکته دیگر که دوست داشتم اشاره کنم که برای خود من خیلی

آموخته بود، انصاف او بود. انصافی که داشت در برخورد به آدمها و در برخورد به هر شرایطی. برخورد منصفانه یکی از اصول بسیار مهم برای ژوبین بود. بنظر من این نکات هست که از منصور حکمت باید آموخت برای اینکه بتوانیم یک کمونیست واقعی باشیم و برای اینکه یک جامعه کمونیستی واقعی آزاد و برابر را بتوانیم بسازیم.

سیاوش دانشور: آیا زندگی با چنین آدمی که ذهن خلاق و همیشه در حرکتی دارد، آرامش تان را بهم نمیزد، باید باهاش میلیدید، چکار میکردید؟
آذر ماجدی: چرا، حتما همینطور است. آدمی که همیشه انگار صد سال جلوتر را میبیند و انگار که همیشه صد کیلومتر جلوتر دارد راه میبرد، زندگی با چنین آدمی حتما سخت و پیچیده است و فشارهایی را به زندگی تحمل میکند. و حتما تنهایی هائی را به او تحمیل میکرد. ولی در عین حال زندگی با چنین آدمی با هیجان تر و جالبتر و پرمحتواتر است. بخصوص که ژوبین فقط یک آدم سیاسی نبود. ژوبین عاشق موزیک بود و خودش گیتار میزد، ژوبین عاشق فوتبال بود و با بچه ها فوتبال بازی میکرد، آدمی فوق العاده شوخ بود، طنز خیلی قوی ای داشت، و همه اینها یک زندگی پر و یک زندگی جذابی را مساخت.

البته واضح است که فشارها و استرسی که بخاطر نوع فعالیت روی زندگی ما بود، و بخاطر خصلتی هم که جمهوری اسلامی دارد و فشارهایی که روی اپوزیسیون به این معنی میتواند وجود داشته باشد، اینها هم فشارهای معینی را روی زندگی ما میگذاشت. البته این اواخر برخی تناقضاتی که اشاره کردم داشت به شکل زیبایی حل میشد و به یک جور پختگی و یک آرامشی میرسید که متأسفانه تمام شد.

سیاوش دانشور: امروز مهمترین مشغله فکری شما بعد از این واقعه چه هست؟
آذر ماجدی: واضح است که مهمترین مشغله من در وهله اول بچه ها هستند. من الان باید بتوانم نقش هر دوی ما را برای بچه ها بازی کنم. چون آدم بزرگی رفت، پدر خیلی بزرگی رفت، و من باید بتوانم جای خالی ژوبین را هم برای بچه ها پر کنم تا اینکه یک زندگی پری که او میخواست به بچه ها

بدهم. و بعد ادامه هر چه بهتر فعالیتی است که بیشتر زندگییم به آن مشغول بوده ام که اکنون با غیبت منصور حکمت سخت شده است. ما اکنون باید جای او را هم در جنبش کمونیسم کارگری و در حزب کمونیست کارگری پر کنیم. به شمر رساندن این فعالیت بنحوی که بتوانیم آن چیزی که او میخواست و آنچهیکه در سخنرانی کنگره سوم گفت، که در واقع وصیتش به حزب کمونیست کارگری بود، را به انجام برسانیم، بلند کردن پرچم کمونیسم کارگری در ایران و در منطقه و بلند کردن پرچم کمونیسم کارگری و مارکسیسم بار دیگر در دنیا، این آنچهیکه است که تمام فکر و ذکر مرا بخود مشغول میکند.

سیاوش دانشور: چه انتظاری از همزمان و دوستداران ژوبین دارید؟
آذر ماجدی: همزمان و دوستان ژوبین همانطوریکه تا حالا داشتند مبارزه میکردند برای جامعه کمونیستی و آوردن آزادی و برابری، حتما به مبارزه شان ادامه میدهند و باید انرژی شان را صد چندان بکنند چون باید جای خالی خیلی بزرگی را همه با هم پر بکنیم. دوست دارم آثارش را بخوانند، دوست دارم با عمق بیشتری نظراتش را بفهمند، بشناسند و بتوانیم آن جوهر و خصلت اصلی او را منتقل کنیم و بتوانیم آن پرچی که او بلند کرد و آن برنامه ای که او تدوین کرد حداقل در ایران پیاده کنیم.

سیاوش دانشور: آذر ماجدی در فرصتهای دیگر بیشتر صحبت میکنیم، مجدداً از شما تشکر میکنم که فرصتی را گذاشتید امشب صحبتی داشته باشیم و صمیمانه در آغوشان میگیرم و امیدوارم با هم بتوانیم این واقعه فراموش نشدنی را با پیاده کردن آرمانهای انسانی ژوبین به گرامیداشت یادش تبدیل کنیم.

آذر ماجدی: خیلی متشکرم که این فرصت در اختیار من گذاشته شد تا بتوانم از این همه محبت و اینهمه علاقه ای که نشان داده شده به ژوبین و به ما بعنوان خانواده ژوبین تشکر بکنم، باز هم صمیمانه از همه تشکر میکنم، باز هم از همه میخواهم که روز یکشنبه همراه هم یاد ژوبین را گرامی بداریم. ■

تشکر از همدردی

بدینوسیله از تمام دوستان و خویشاوندان، تمام سازمانها بویژه هیات مدیره سازمان زنان ایرانی انترپو و کانون سالمندان، تشکیلات حزب کمونیست کارگری در کانادا، دفتر سیاسی و اعضای حزب کمونیست کارگری ایران و عراق که بوسیله تلفن، نامه، ایمیل و ارسال گل با ما در از دست دادن ژوبین عزیزمان همدردی کرده اند صمیمانه تشکر میکنم.

ضمناً به اطلاع میرسانیم که مراسم دیگری در شهر لندن در انگلستان برگزار میشود. دیدار دوستان در این مراسم آرزوی ماست.

از طرف خانواده رازانی
سعیده رازانی
۱۷ ژوئیه ۲۰۰۲

تسلیت و تشکر

درگذشت برادر نازنینم ژوبین (منصور حکمت) را به کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران و عراق، تک تک اعضای حزب کمونیست کارگری، به طرفداران و دوستدارانش و تمام کسانی که در غم از دست دادن وجود عزیزش با ما سهیم هستند صمیمانه تسلیت میکنم. ژوبین در این دنیای وارونه بالاتر از زندگی بود. ژوبین در ارزش های انسانی مان، در اعتماد بنفس فردی و جمعی مان در مقابله با هرگونه نابرابری، بی حقوقی و عقب ماندگی، و در امید، اراده و قدرتمان در تحقق یک دنیای بهتر خواهد زیست.

ژوبین رفت اما دنیایی از محبت بیکران شریف ترین انسان های این زمانه را برای من و خانواده ام باقی گذاشت. از محبت شما عزیزانم سپاسگزارم.

با احترام
شیرین رازانی (نسرین جلالی)
ژوئیه ۲۰۰۲

برگزاری مراسمهای بزرگداشت منصور حکمت در سلیمانیه و شهرهای کردستان

بنا بر اطلاعیه ای از حزب کمونیست کارگری عراق روز پنجشنبه ۱۸ ژوئیه به دعوت حزب کمونیست کارگری عراق مراسم با شکوهی در بزرگداشت منصور حکمت با شرکت وسیع مردم و شخصیتهای سیاسی و نمایندگان احزاب در شهر سلیمانیه برگزار گردید.

در این مراسم پس از یک دقیقه سکوت به یاد منصور حکمت و سرود انترناسیونال زندگینامه منصور حکمت همراه با نمایش قطعاتی از فیلم سخنرانی او در کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران قرائت شد. در این مراسم ریواری احمد، دبیر کمیته مرکزی و محسن کریم عضو دفتر سیاسی و دبیر تشکیلات کردستان حزب درباره نقش و جایگاه منصور حکمت سخنرانی کرده اند.

همچنین بنا بر اطلاعیه های کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران مراسمهای باشکوهی بیاد منصور حکمت در شهرهای کردستان برگزار شده است. تاکنون این مراسمها در شهرهای سنندج، سقر، مریوان، مهاباد، سردشت، بوکان و نقده برگزار شده اند که پوسترهای منصور حکمت در سطح وسیعی در این شهرها توزیع شده است. مشروح اخبار این مراسمها در نشریه ایسکرا منعکس شده است.

ادامه لیست پیامهای احزاب و سازمانها و اشخاص بمناسبت درگذشت منصور حکمت در شماره ۱۱۶ منتشر میشود.

مراسم بزرگداشت منصور حکمت (ژوبین رازانی)

قابل توجه عموم

به اطلاع میرسانیم که مراسم بزرگداشت منصور حکمت (ژوبین) از طرف آذر ماجدی همسر منصور حکمت، حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری ایران، بعدازظهر روز یکشنبه ۲۸ ژوئیه در لندن (انگلستان) برگزار میشود. ساعت و مکان مراسم متعاقباً به اطلاع عموم خواهد رسید.

توجه کنید که ورود کودکان زیر ۱۵ سال به مراسم مقدور نیست. اکیدا تقاضا میکنیم از همراه آوردن کودکان زیر ۱۵ سال به مراسم خودداری نمائید.

تلفن: ۰۰۴۴-۷۹۵۰ ۵۱۷ ۴۶۵ و ۰۰۴۴-۷۸۱۵ ۹۰۲ ۲۳۷

فکس: ۰۰۴۴-۸۷۰۱ ۳۵۱ ۳۳۸ پست الکترونیک: markazi@ukonline.co.uk